

افشاگر



نویسنده: روث پرایکت

مترجم: محسن قاسمی

اشاره: رئیس هیات مدیره و مدیرعامل پیشین الیمپوس (Olympus)، مایکل وودفورد، در جولای ۲۰۱۳، در کنفرانس بین‌المللی انجمن حسابرسان داخلی در لندن سخن‌رانی کرد و آن چه را از زمان افشاگری یک تقلب میلیارد دلاری آموخته است، و این که حسابرسان داخلی چگونه می‌توانند به پیش‌گیری از چنین رسوایی‌هایی در آینده کمک کنند با شرکت‌کنندگان این کنفرانس به اشتراک گذاشت. روث پرایکت فرازهای اصلی این سخن‌رانی را در قالب مقاله‌ی زیر نخست در شماره‌ی ژانویه/فوریه‌ی ۲۰۱۴ مجله‌ی حسابرسی و ریسک (انجمن مجاز حسابرسان داخلی - بریتانیا و ایرلند) و سپس در شماره‌ی فوریه‌ی ۲۰۱۴ مجله‌ی حسابرس داخلی (انجمن حسابرسان داخلی - بین‌المللی) منتشر کرد.

آندوسکوپی صنعتی بود.

وودفورد ظرف چند ماه، پس از خواندن مقاله‌های یک مجله‌ی ژاپنی گمنام، متوجه شد سازمان‌اش مبالغ هنگفت عجیب و غریب و استثنایی را برای تملک شرکت‌هایی پرداخته‌است که ظاهراً با کسب‌وکار اصلی یا راهبرد آن ارتباطی نداشتند. حتی بدتر از این، آن مجله اشاره کرده بود که مبالغ هنگفت و نامتناسبی نیز به اشخاص ثالث به عنوان مشاور پرداخت شده‌است که به نظر می‌رسید با جرایم سازمان‌یافته در ارتباط باشند.

وودفورد موضوع را با رئیس پیشین هیات مدیره، رئیس حسابرسی داخلی، و دیگر اعضای کلیدی هیات

نزدیک به ۸ درصد افزایش داشته‌است.

کم‌تر کسی، مثل مایکل وودفورد، به این رسایی و با چنین تاثیرگذاری در سوت افشاگری خود دمیده‌است. در مارس ۲۰۱۱، وی به مقام رئیس هیات مدیره و مدیرعامل الیمپوس ارتقا یافت؛ ابرسازمان ژاپنی چندملیتی که نزد خانواده‌ها برای دوربین‌های‌اش و نزد دکترا به خاطر فناوری ابزار دقیق پزشکی‌اش در سرتاسر جهان معروف است. این شغل نقطه‌ی اوج زندگی حرفه‌ای بود که از ۳۰ سال پیش آغاز شده بود؛ وقتی وودفورد به‌عنوان فروشنده‌ی یکی از شرکت‌های فرعی الیمپوس در بریتانیا استخدام شد که سازنده‌ی ابزارهای

افشاگران می‌خروشدند. به اخبار نگاه کنید، به نظر می‌رسد تقریباً هر ماه یک نفر به خاطر سوءاستفاده از پول مردم، سوءاستفاده‌های بانکی، و شکستن حریم شخصی بر سر زبان‌ها است. برای مثال، در یک سال گذشته تعداد تماس‌های تلفنی برقرار شده با نهاد کردار مالی بریتانیا (FCA)^۱ ۲۳ درصد افزایش داشته‌است - به گزارش موسسه‌ی حقوقی آر.پی.سی، تا آگوست ۲۰۱۳ با شماره تلفن خط‌داغ افشاگری این نهاد ۴,۷۱۸ تماس تلفنی گرفته شد. در آمریکا، کمیسیون بورس اوراق بهادار به‌تازگی گزارش کرد که تعداد خبرها و شکایت‌های دریافتی از افشاگران در سال مالی ۲۰۱۳ در مقایسه با دوره‌ی مشابه در ۲۰۱۲

مدیره مطرح کرد. پاسخ‌های آنان متناقض بود، به همین دلیل وودفورد بیشتر پیگیر شد و شش نامه به هیات مدیره نوشت و کپی آن‌ها را به حسابرسان آن سازمان در سرتاسر جهان فرستاد. وی بلافاصله اخراج شد. هیات مدیره به رسانه‌ها اعلام کرد دلیل اخراج وودفورد اختلاف نظر وی با هیات مدیره و ناکامی او در سازگاری با سبک کسب‌وکار ژاپنی بوده است.

وودفورد رسانه‌های شد. طی ۱۲ ماه پس از آن، وی با رسانه‌های بریتانیا، آمریکا، و ژاپن و همچنین اداره‌ی تقلب‌های کلان (SFO) بریتانیا و اداره‌ی آگاهی فدرال (FBI) آمریکا صحبت کرد. پیامدها برای الیمپوس ویرانگر بود. قیمت سهام شرکت هر روز پایین می‌آمد تا جایی که ۸۰ درصد ارزش پیشین خود را از دست داد، و خبرنگاران سرتاسر جهان رفته‌رفته فاش کردند که سرمایه‌گذاری‌ها و پرداخت‌های عجیب و غریب الیمپوس به مشاوران برای پوشاندن ۱٫۷ میلیارد دلار زیان‌های قبلی استفاده شده است که هرگز در دفاتر آن شرکت نمایش داده نشده بودند.

سرانجام سه مدیر ارشد الیمپوس، شامل رئیس حسابرسی داخلی، استعفا دادند و محاکمه شدند و احکام تعلیقی گرفتند. سهام‌داران خارجی الیمپوس یک هیات مدیره‌ی جدید و بازرسی‌های مستقل را درخواست کردند و پرسیدند که چرا حسابرسان مستقل الیمپوس بیشتر دقت نکرده بودند. الیمپوس هم اینک به سودآوری برگشته است، ولی اداره‌ی تقلب‌های کلان (SFO) بریتانیا و نهادهای آمریکایی اقدامات خود را آغاز کرده‌اند.

و اما بر وودفورد چه گذشت؟ هرچند وی از سوی بعضی به عنوان قهرمان ستایش شد، ولی بهای سنگینی را پرداخت؛ هم از نظر مالی و هم از دیگر جنبه‌ها. او طی سه ماه بیش از یک میلیون پوند (۱٫۶ میلیون دلار) به وکیلان پرداخت و سپس از الیمپوس به دلیل اخراج نامنصفانه شکایت کرد، و متعاقباً مبلغی توافقی را با اعلام رضایت از تعقیب دادگاهی دریافت کرد. از همه مهم‌تر، وی از سوی همکاران قدیمی‌اش که در زمره‌ی دوستان خانوادگی‌اش هم بودند، طرد شد و حتی گاهی شماتت و دعوا شد. او چند ماه دلهره‌آور را نیز در محافظت پلیس گذراند، چون نیروهای امنیتی بریتانیا و ژاپن فکر می‌کردند ممکن است وی هدف حمله‌ی یاکوزا، مافیای ژاپن، قرار گیرد.

حالا که گرد و خاک‌های ماجرای الیمپوس

فرونشسته است، دل‌مشغولی روزافزون وودفورد اطمینان‌دادن از محافظت و ارائه‌ی پشتیبانی‌های موردنیاز به دیگر افشاگرانی است که فعالیت‌های متقلبانه و مجرمانه را بر ملا می‌کنند. او هم اینک با موسسه‌ی خیریه‌ی افشاگری پابلیک کانسنر ات وُرک^۲ کار می‌کند، که یافته‌ی کمیسیون افشاگری خود را اواخر نوامبر ۲۰۱۳ منتشر کرد. وی همچنین کتابی با عنوان ایکسپوژر (Exposure)، از انتشارات پنگوئن پرتفولیو، نوشته است که در آن تجربه‌های دراماتیک خود را روایت کرده است - انتظار می‌رود این کتاب به عنوان یک فیلم سینمایی در ۲۰۱۵ به نمایش گذاشته شود. در جولای ۲۰۱۳، وودفورد در کنفرانس بین‌المللی انجمن حسابرسان داخلی در لندن سخن‌رانی کرد. وی گفت، به باور او سازمان‌ها نیازمند این هستند که کارهایی بکنند تا اطمینان دهند کارکنان‌شان را به حرف‌زدن تشویق می‌کنند.

وودفورد می‌گوید، حتی پیش از تجربه‌ی افشاگری‌اش، عمیقاً به ارزش حسابرسی داخلی باور داشته است. او می‌گوید، "من همیشه طرفدار پر و پا قرص حسابرسی داخلی بودم و به تشکیل این واحد در بخش‌های مختلف شرکت تحت مدیریت‌ام کمک می‌کردم، چون حسابرسی داخلی مثل نظم و انضباط ضروری و اساسی است." "من شدیداً معتقد به حسابرسی داخلی و نیز معتقد به اهمیت حسابرسی خارجی (مستقل) قوی برای کسب‌وکار هستم."

به نظر وودفورد، توجه به جزئیات در سطح تراکنش‌ها ضروری است. او می‌گوید، تلاش‌های اخیر برای معرفی حسابرسی‌های فرهنگی و بهبود فضای اخلاقی راس سازمان بانک‌ها و دیگر سازمان‌ها همگی بسیار خوب هستند، ولی اغلب تا حد شعاردادن نزول پیدا می‌کنند. او می‌پرسد اصطلاحاتی مثل "فضای اخلاقی راس سازمان" (tone at the top) واقعا در عمل چه معنی می‌دهند - وی می‌گوید "مثل این است که تلاش کنیم عشق را تعریف کنیم."

او می‌گوید، "ما نیاز داریم به سطوح به مراتب عملی‌تری برویم و تراکنش‌ها را به‌طور سامانه‌مند پیگیری کنیم." "همه‌ی آدم‌ها پتانسیل خطاکاری را دارند، بنابراین ما نیاز داریم با نشان‌دادن این که آنان گرفتار خواهند شد، این خطاکاری‌ها را متوقف کنیم. این بدبینی نیست. این واقع‌بینی است."

او می‌گوید، در سطح حسابرسی برون‌سازمانی (مستقل)، کمیسیون رقابت بریتانیا - نهاد عمومی

مستقلی که مدیران، بازارها، و ضابطه‌گذاری صنعت را نظارت می‌کند - به اندازه‌ی کافی نظارت و بررسی نکرده است که به این نتیجه‌گیری برسد که موسسات باید به طور منظم قراردادهای حسابرسی برون‌سازمانی (مستقل) خود را به مناقصه بگذارند. وی می‌گوید همه‌ی سازمان‌های بزرگ‌تر از یک اندازه‌ی باید وادار شوند هر ۱۰ سال حسابرسان برون‌سازمانی (مستقل) خود را تغییر دهند تا از خیلی نزدیک شدن روابط شخصی پیش‌گیری شود.

او می‌گوید، در سطح داخلی، سازمان‌ها باید نخست تعریف خود از افشاگری را مشخص کنند. تعریف خود وی از افشاگری روشن است. وی می‌گوید، نظر به اهمیت ناهنجاری‌هایی همچون تبعیض جنسی، تبعیض نژادی، و دیگر شکل‌های زورگویی یا تبعیض، نظارت بر این موارد باید در درجه‌ی نخست به اداره‌ی منابع انسانی سپرده شود، زیرا قوانین روشنی هم اکنون در این زمینه وجود دارد.

به نظر وودفورد، افشاگری درست با تبه‌کاری سر و کار دارد. او می‌گوید، "مسئله‌ی افشاگران طرد شدن یا تنهاماندن است." "اگر شما یک مدیر میانی هستید و فکر می‌کنید سازمان‌تان کارهای نادرستی انجام می‌دهد، و اگر به کسانی که به آنان گزارش می‌دهید اعتماد ندارید، به چه کسی می‌توانید مراجعه کنید؟" به همین دلیل او می‌گوید همه‌ی سازمان‌ها باید یک مسیر مشخص را برای افشاگران فراهم کنند تا برای افشاگری نیاز به مراجعه به مدیریت اجرایی نباشد. او توضیح می‌دهد، "مدیران اجرایی می‌توانند کار کنند تا سازمانی بسازند که دارای فرهنگ قوی و شفاف باشد، ولی شما به یک خط‌داغ افشاگری مستقل نیاز دارید که هر کسی درباره‌ی آن بداند و مسئول آن یک عضو نااجرایی هیات مدیره (NED) مثلاً رئیس کارگروه حسابرسی یا رئیس هیات مدیره باشد."

وی می‌گوید، "با این که نقش اعضای نااجرایی هیات مدیره صرفاً در حد تشکیل چند جلسه و ناهار خوردن دیده می‌شود، ولی اگر آنان نقش نظارتی خود را ایفا نکنند مبالغ قابل توجهی بدهی شخصی متحمل خواهند شد." "قرار دادن آنان به عنوان مسئول خط افشاگری یک مسئولیت سنگین خواهد بود، ولی این مسئولیت هم اینک یکی از مسئولیت‌های خطیر رئیس کارگروه حسابرسی است."

وی می‌افزاید، هر چند این نقش باید به قدر

کافی با اقدامات بازرسی تکمیلی پشتیبانی شود، ولی شرکت‌هایی که منابع خود را به این اقدامات اختصاص می‌دهند اعتماد بیشتری از سوی سرمایه‌گذاران و رسانه‌ها دریافت می‌کنند، چون نشان می‌دهند که این موضوع را جدی گرفته‌اند. او می‌گوید، "افشاگران نباید ناشناس باشند، ولی آنان باید بدانند که سازمان تا جایی که در توان دارد از آنان محافظت خواهد کرد." در وضعیت آرمانی، سازمان‌ها باید بتوانند موضوعات افشاگری را به‌طور داخلی پیگیری کنند تا آنها را به نقطه‌ای برسانند که قابل واگذاری به ضابطه‌گذار یا پلیس باشند. الان، مدیران میانی انگیزه دارند از هر خلاقی که می‌بینند چشم‌پوشی کنند."

وقتی به پشتیبانی برون‌سازمانی می‌رسد، وودفورد می‌افزاید که خود او از خط افشاگری نهاد کردار مالی (FCA) بریتانیا کمک و الهام گرفته‌است. کمک‌های بیشتری نیز از سوی پابلیک کانسرِن اَت وُرک در بریتانیا و اداره‌ی افشاگر کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا^۲ در دسترس افشاگران است.

به گفته‌ی وی، موضوعات افشاگری به‌طور ویژه مربوط به حساب‌رسان داخلی است، زیرا آنان در اطمینان‌دادن از استقرار و اثربخشی این ساز و کار در سازمان جزء افراد کلیدی هستند. او می‌گوید، نقاط ضعف همان جاهایی هستند که فعالیت‌های مجرمانه در آنها رخ می‌دهند، حتی اگر سازمان در وضعیت خوبی باشد.

او می‌گوید، "من را متهم می‌کردند که حساب‌رسان داخلی را به ماموران پلیس مبدل کرده‌ام، ولی در مسیری که آنان کار می‌کنند خودشان چنین نقشی را دارند. آنان مجبورند اطمینان بدهند که امنیت و نظارت در همه‌ی زمینه‌ها وجود دارد، و من فکر می‌کنم که وقتی آنان حساب‌رسی می‌کنند مقدار معینی فشار و کشمکش نیز باید در کارشان باشد."

وودفورد می‌افزاید، حساب‌رسی داخلی نه تنها باید در استقرار یک خط افشاگری - که به یک عضو نااجرایی هیات مدیره گزارش می‌دهد - درگیر باشد، بلکه باید اطمینان نیز بدهد که کارکنان به اندازه‌ی کافی درباره‌ی آن خط افشاگری می‌دانند، و شرکت نیز باید افشا کند که چه تعداد تماس تلفنی با این خط افشاگری برقرار شده‌است. عضو نااجرایی مسئول نیز باید این گزارش را امضا کند. او می‌گوید، "در ارتباط با این فرایند هر چه شفافیت بیشتر باشد،

بهرتر است."

وودفورد می‌افزاید، هر چه رویه‌های افشاگری داخلی مناسب‌تر باشد افراد کم‌تری نیاز پیدا می‌کنند به رسانه‌ها مراجعه کنند. البته وی به نقش مهمی که رسانه‌ها در افشاگری خود وی و دیگر افشاگری‌های مربوط به رسوایی‌های بزرگ دیگر بازی کردند اذعان دارد. او می‌گوید، "رسانه‌ها حفاظ غایی مردم‌سالاری هستند."

سهام‌داران نیز دارای نقشی اساسی هستند. وودفورد می‌گوید، "آنان صاحبان شرکت هستند، آنان در موارد بسیاری می‌توانند از شر اعضای هیات مدیره خلاص شوند، و می‌توانند برای برگزاری مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده فراخوان بدهند." در مورد الیمپوس سه سهام‌دار ناژاپنی عالی بودند؛ آنان در همان آغاز رسوایی برای درخواست استعفا از اعضای هیات مدیره پیش‌قدم شدند. هم‌چنین، پشتیبانی‌های عملی زیادی را نیز به من عرضه کردند. سهام‌داران خیلی بیشتر از این‌ها می‌توانند در درخواست خطوط افشاگری در سازمان‌ها فعال باشند - همین‌طور ضابطه‌گذاران."

مسلماً، مسئله از این قرار است که یک رسوایی مالی می‌تواند منجر به سقوط قیمت سهام شرکت شود، و زیان‌هایی را به سهام‌داران تحمیل کند که به مراتب بیشتر از تقلب اولیه باشد - همان‌گونه که در الیمپوس رخ داد. وودفورد می‌گوید، این گریزناپذیر است. به گفته‌ی وی، "همه‌ی نظام شرکت بستگی به باورکردن ارقام حساب‌ها دارد. اگر شما به اهمیت آنها باور ندارید، و خودتان را آماده‌ی دیدن سقوط قیمت سهام در زمان بروز مشکل نکردید، شما نباید یک سهام‌دار باشید."

او می‌گوید مدیریت باید از این واقعیت بیشتر آگاه باشد که حساب‌رسی داخلی، از راه سیاست‌ها و فرایندهایی که ارزیابی می‌کند، یک دفاع کلیدی در برابر تقلب و دیگر خلاف‌کاری‌ها است. به گفته‌ی وی، "اگر مدیریت تلاش کند منابع حساب‌رسی داخلی را محدود کند، مهم این است که حساب‌رسان داخلی بدانند که می‌توانند به یک عضو نااجرایی هیات مدیره مراجعه کنند." او چندان به استقلال کسی که کارمند شرکت است و حقوق خود را از شرکت دریافت می‌کند خوش‌بین نیست، با این حال می‌افزاید، وجود یک خط ارتباطی مستقیم به یک عضو نااجرایی هیات مدیره می‌تواند به حساب‌رسان

داخلی احساس بهتری از کنترل و استقلال از نفوذ مدیریت بدهد.

به‌رغم محافظت‌هایی که وجود دارد، افشاگران بالقوه هنوز ممکن است نگران این باشند که پس از افشاگری قربانی "ناوفاداری" شان به سازمان شوند. ولی، وودفورد جور دیگری به این قضیه نگاه می‌کند. او می‌گوید، "جهان تغییر کرده‌است. این روزها رویکرد بسیار سخت‌گیرانه‌تری نسبت به آزمندی و افزونه‌خواهی در سازمان‌ها وجود دارد. دیگر افشاگران را به چشم خبرچین نمی‌بینند. از وقتی من از الیمپوس اخراج شدم چند پیشنهاد کاری در بریتانیا و ژاپن داشتم، ولی من ترجیح می‌دهم همین کاری را ادامه بدهم که الان دارم می‌کنم، و انجام این کار را برای افراد دیگر در آینده راحت‌تر کنم."

*: نسخه‌ای از این مقاله نخست در شماره‌ی ژانویه/فوریه‌ی ۲۰۱۴ مجله‌ی حساب‌رسی و ریسک، مجله‌ی انجمن مجاز حساب‌رسان داخلی (Chartered Institute of Internal Auditors) منتشر شد.

پی‌نوشت‌های مترجم:

- ۱- نهاد کردار مالی بریتانیا (United Kingdom's Financial Conduct Authority, FCA) یک نهاد ضابطه‌گذاری مالی در بریتانیا است که از ۱ آوریل ۲۰۱۳ جایگزین نهاد خدمات مالی (Financial Services Authority, FSA) شد. این نهاد مستقل از دولت بریتانیا است و توسط اعضای صنعت خدمات مالی بریتانیا تامین مالی می‌شود. برای آگاهی بیشتر به تارنمای این نهاد (به نشانی: www.fca.org.uk) سر بزنید.
- ۲- پابلیک کانسرِن اَت وُرک (Public Concern at Work) یک موسسه‌ی خیریه در زمینه‌ی افشاگری است. این خیریه، در ۱۹۹۳، در انگلستان راه‌اندازی شد. برای آگاهی بیشتر به تارنمای این خیریه (به نشانی: www.pcaaw.org.uk) سر بزنید.
- ۳- برای آگاهی بیشتر به تارنمای اداره‌ی افشاگر کمیسیون بورس اوراق بهادار آمریکا (www.sec.gov/whistleblower) یا مقاله‌ی اداره‌ی افشاگر، محسن قاسمی، حسابدار، تیر ۱۳۹۲، صص ۴-۵ مراجعه کنید.

منابع:

Ruth Prickett, Whistleblower, Internal Auditor (Ia) Magazine, The IIA, February 2014

روث پرایکت: ویراستار مجله‌ی حساب‌رسی و ریسک (Audit & Risk)

محسن قاسمی: دبیر کل انجمن حسابداران خبره‌ی ایران، ویراستار فنی مجله‌ی حسابدار